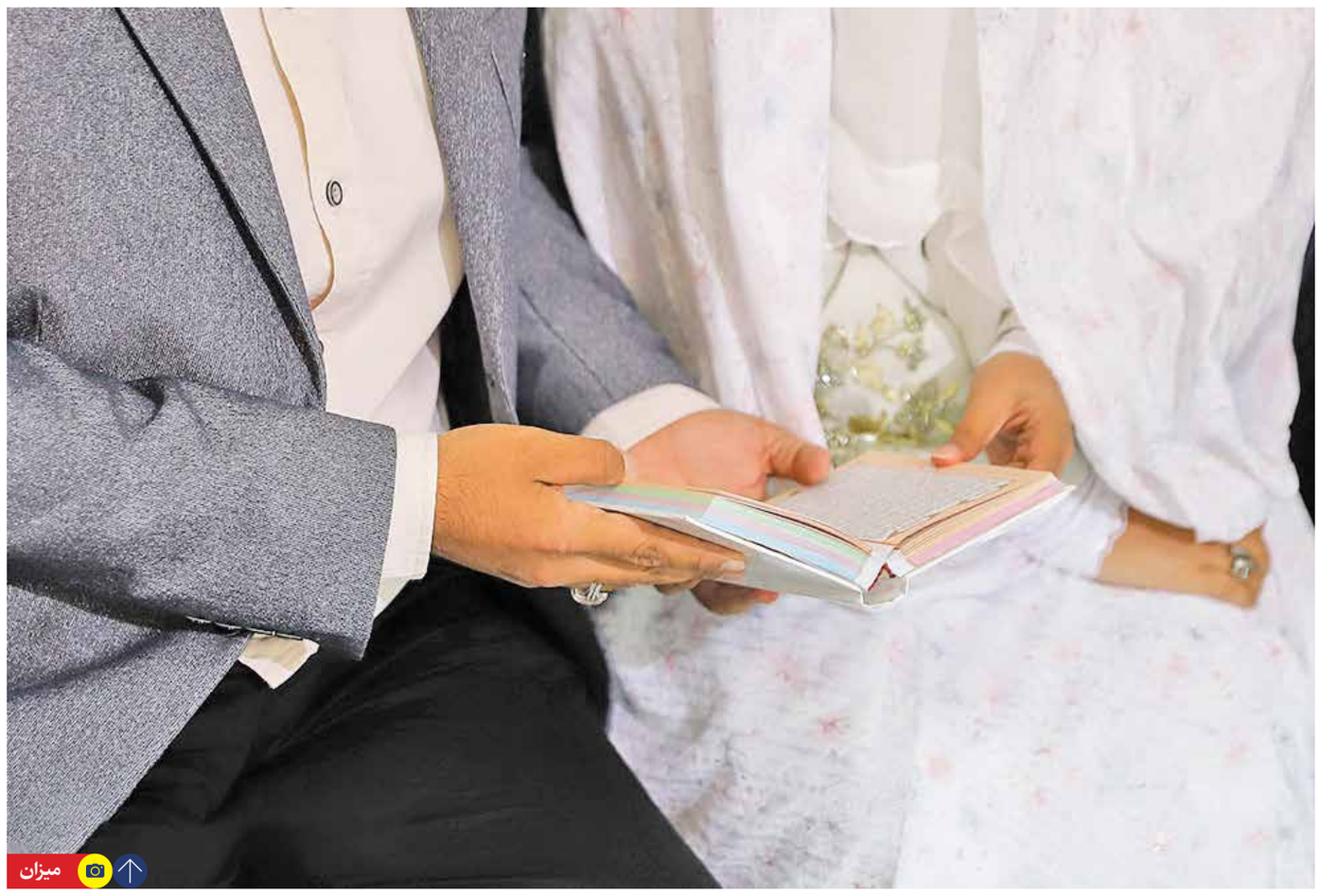
میزان

«ایران» درباره ازدواج در گفت‌وگو با جامعه‌شناسان گزارش می دهد

آرامش و پیشرفت جوانان در گرو ازدواج آسان

گزارش

مهسا قوی قلب
خبرنگار

با نگاهی به آمارهای منتشر شده در سال‌های اخیر متوجه می‌شویم که نرخ ازدواج و فرزندآوری در کشور کاهش چشمگیری داشته، بنا بر اظهارات مدیرکل برنامه‌ریزی وزارت ورزش و جوانان، جمعیت مجردهایی که تاکنون ازدواج نکرده‌اند، حدود ۱۲ میلیون نفر است. این رقم سبب نگرانی کارشناسان این حوزه شده، تا جایی که هشدار داده‌اند کاهش ازدواج منجر به کاهش فرزندآوری و در نتیجه پیری جمعیت ایران خواهد شد. در این رابطه رئیس مؤسسه تحقیقات جمعیت کشور نیز با تأکید بر لزوم در پیش گرفتن سیاست مانع‌زدایی از ازدواج جوانان و فرزندآوری خانواده‌ها، متذکر شده بود که در حال حاضر حدود ۱۲ میلیون مجرد در کشور داریم و از این میان شش میلیون پسر ۲۰ تا ۴۵ ساله و ۵.۶ میلیون دختر ۱۵ تا ۴۰ ساله، «مجرد» هستند که اگر وارد تجرد قطعی شوند، از آنجا که طبیعتاً فرزندی ندارند از خود جانشینی باقی نخواهند گذاشت و جمعیت جدید جایگزین نمی‌شود.

پرتوافکنی بر زیست مجردی و پیامدهای آن

دکترحسین میرزایی، مردم‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با بیان اینکه ازدواج از جمله پدیده‌هایی است که در میان تمام اقوام و ملل در همه دوران‌ها به اشکال مختلف وجود داشته است، به خبرنگار «ایران» می‌گوید: ازدواج، اولین قدم برای تشکیل نهاد خانواده است؛ نهادی که از قدیمی‌ترین نهادهای اجتماعی در تاریخ حیات انسانی است. هر چند ازدواج عملی ارادی و فردی محسوب می‌شود، با این حال تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و حتی سیاسی قرار دارد. در چند دهه اخیر، در پی تغییرات ناشی از نوسازی، صنعتی‌شدن و جهانی‌سازی، تحولات عمده‌ای در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رخ داده است.

این دگرگونی تأثیرات قابل توجهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی داشته است. در چند دهه اخیر، ساختار خانواده، در تمام جهان، از جمله ایران، تحت تأثیر اجرای سیاست‌های دوران جدید تغییرات قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است. جوانان برای دستیابی به موقعیت اقتصادی و پایگاه اجتماعی، ازدواج را به تعویق انداخته و در نتیجه الگوهای سنتی ازدواج دچار چالش‌هایی جدی شده است.

در گذشته، در جوامع سنتی، خانواده فرد، به محض احساس نیاز، حتی قبل از آن، اقدام به تشکیل خانواده برای دختر یا پسر می‌کرد، اما به تدریج، در جوامع جدید ازدواج از دست خانواده‌ها خارج می‌شود و با افزایش آزادی و استقلال فردی، سن ازدواج افزایش می‌یابد و ازدواج به منزله نهادی اجتماعی، دچار تغییراتی شده است.

او در ادامه می‌افزاید: در گذشته، ازدواج راهی برای رسیدن به بلوغ، بزرگسالی و استقلال نسبی از خانواده بود اما در دنیای امروز راه‌های جایگزینی مانند تحصیلات و اشتغال برای استقلال فرد بویژه زنان فراهم آمده است. درست است که ازدواج همچنان، حتی در جوامع جدید، از اهمیت بالایی برخوردار است اما این امر برای همه افراد محقق نمی‌شود و تعدادی از مردان و زنان برای همیشه مجرد باقی می‌مانند. افزایش دوران تجرد در جامعه می‌تواند اثرات بسیار مهمی در پی داشته باشد و تغییرات قابل توجهی را در حوزه‌های فردی و اجتماعی به‌وجود آورد.

این تغییرات، جنبه‌های گوناگونِ مثبت و منفی دارد. با توجه به میزان جمعیت بالای جوانان کشور و همچنین افزایش سن ازدواج در سال‌های اخیر، لزوم بررسی مسأله تجرد و تأخیر در ازدواج به خوبی آشکار می‌شود. با مطالعه پژوهش‌های مختلف انجام‌شده در حوزه تجرد، مؤلفه‌های اصلی حوزه تجرد در چند بنیان اصلی می‌تواند شناسایی شود. این بنیان‌ها شامل موارد زیر است:

۱- بنیان‌های ساختاری (سیاستگذاری ناکارآمد در مقوله ازدواج، مهاجرت، نابرابری جنسیتی، موقعیت جغرافیایی و اجتماعی زندگی، نبود بستر مناسب برای ارتباط دو جنس، جنگ و...)

۲- بنیان‌های اقتصادی (وضعیت ناپایدار اقتصادی، نبود درآمد کافی و شغل باثبات، اشتغال دختران، بار مالی سنگین ازدواج.)

۳- بنیان‌های اجتماعی-فرهنگی (نبود هم‌کفوی فرهنگی و مذهبی، کلیشه‌های رایج انتخاب همسر، فردمحوری، بازاندیشی در ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده، پذیرش اجتماعی افزایش سن ازدواج و تجرد، بدیل‌های هویتی برای ازدواج، کالایی شدن ازدواج، تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی افراطی، تأثیر رسانه و فضای مجازی بر افزایش سن ازدواج، احساس فشار اجتماعی، سرگشتگی بین سنت و مدرنیته، تعریف الگوهای جدید از همسر مناسب.)

۴- مقوله فردی و خانوادگی (بی‌اعتمادی و نگرش منفی به طرف مقابل، اهمیت خصوصیات فیزیکی و ظاهری، تجارب احساسی گذشته، تجربه منفی از زندگی اطرافیان، ایده‌آل‌گرایی، عادت به تنهایی، تنوع‌طلبی، نداشتن اعتماد به‌نفس، هراس از آینده ازدواج، تقدیرگرایی، احساس قربانی‌بودن، عدم حمایت مالی و عاطفی خانواده، دخالت خانواده در انتخاب همسر، وابستگی مالی و عاطفی خانواده به فرزندان و گاهی بالعکس.)

به اعتقاد میرزایی، در این بین دو جنبه پیامد برای تجرد در جامعه تبلور می‌یابد: پیامدهای مثبت که فرصتی برای رشد هویت فردی و جایگاه اجتماعی، احساس آرامش و رضایت خاطر، کسب آزادی و استقلال است و دیگری پیامدهای منفی که شامل انزوا، تنهایی و حس رهاشدگی، پیدایش مشکلات جسمی و روانی، نداشتن امنیت اقتصادی، ترس از آینده، محدودیت و رفتارهای پرخطر جنسی، فشارهای اجتماعی، کاهش استقلال، بی‌انگیزگی، تخریب فرهنگ اجتماعی رایج، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی است.

وی می‌افزاید: در واقع، ورود جریان مدرنیته و تغییرات همراه آن، مانند رواج فردمحوری، تغییرات مهمی در ساختار خانواده و نقش و کارکرد آن ایجاد کرده است. بدین ترتیب، الزامات پیشین در ازدواج و انتخاب همسر تغییر یافته و افراد حق انتخاب برای ازدواج و همسریابی یافته‌اند. همچنین با ظهور مدرنیسم و صنعتی شدن، زنان توانسته‌اند نقش بیشتری در اجتماع و خارج از منزل به دست آورند و از این طریق در پی کسب هویت‌های فردی و اجتماعی جدید باشند. دستیابی به جنبه‌های جدید هویتی نیازمند صرف وقت و هزینه بیشتری است و به این ترتیب، افزایش سن ازدواج قابل انتظار خواهد بود.

پدیده جهانی شدن در ادامه این مسیر، به افراد، الگوهای جدید زندگی و انتخاب همسر را معرفی کرده است. الگوهای سنتی ازدواج و نقش‌های پذیرفته شده در ازدواج سنتی که برای افراد هویت‌بخش بودند، در دنیای مدرن که تحت تأثیر پدیده جهانی‌شدن قرار دارد، دچار تزلزل شده است. افراد در دنیای امروز به دنبال دستیابی به هویت‌های مستقل فردی و اجتماعی هستند و برای دستیابی به هویت و منزلت اجتماعی از هویت‌های تقسیم‌بندی‌شده دنیای قدیم فاصله می‌گیرند.

کارکردهای قانون تسهیل ازدواج جوانان

حال این گره کور فرهنگی در ازدواج چگونه می‌تواند باز شود؟

میرزایی به این پرسش پاسخ می‌دهد و می‌گوید: قاعدتاً برای احیای فرهنگ ازدواج آسان، دولت و مسئولان نقش بسیار تأثیرگذاری دارند.

در این زمینه قانونی به نام «قانون تسهیل ازدواج جوانان» وجود دارد که اخیراً با وجود فعال شدن بخش‌هایی از آن، هنوز به بازدهی کامل نرسیده است، در حالی‌که اجرای دقیق آن می‌تواند هم در فرهنگ‌سازی و هم تسهیل ازدواج اثرگذار باشد.

در بند الف ماده ۵ این قانون، آمده که دولت باید با استفاده از امکانات رسانه ملی و دستگاه‌های فرهنگی و آموزشی به تصحیح باورها و آداب و رسوم مانع و مزاحم ازدواج جوانان در مناطق کشور بپردازد؛ این امر می‌تواند با حمایت از تولیدکنندگان محتوای ازدواج صحیح و آسان رخ بدهد؛ تولید محتوا ممکن است به‌صورت فیلم، کلیپ، صوت، نوشته و غیره باشد.

دولت همچنین می‌تواند علاوه بر انجام وظیفه قانونی خود در اجرای قانون تسهیل ازدواج که در آن تأمین مسکن، هزینه‌های برگزاری جشن ازدواج و غیره پیش‌بینی‌شده است، خیران را نیز به این امور ترغیب کند. با همکاری دستگاه‌های مربوطه با یکدیگر، در پایگاه‌های سلامت خانواده در تمام کشور و سرای محلات، کارشناس و مشاورهای خبره ازدواج با تعداد و ساعت بیشتر حضور یابند تا به تصحیح باورهای اشتباه و معیارهای غیرمنطقی انتخاب همسر، ارتباط با خانواده همسر و موارد مشابه پرداخته شود. آموزش و مشاوره در قانون تسهیل ازدواج جوانان پیش‌بینی شده که هنوز به آن اهمیت چندانی داده نشده است.

کوتاه‌ترین راهکارها

این جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه اضافه می‌کند: در کنار نقش دولت، مشکلات فرهنگی ازدواج می‌تواند با همدلی و همفکری خود مردم به‌تدریج کم‌رنگ شود.

بزرگ‌ترها می‌توانند بیشتر به نظر جوانان اهمیت دهند و طرز برخورد و نظرات دیگران را در نحوه ازدواج ملاک قرار ندهند، عروس یا داماد را به‌عنوان عضو جدید خانواده بپذیرند و با عیب‌جویی، طعنه زدن و مقایسه‌های مخرب، زندگی تازه جوانان را نابود نکنند. جوانان نیز باید نقش حمایتی پدر و مادر را حس کنند، نه اینکه به خاطر آنها زندگی را به عرصه‌ای برای نمایش دربیاورند.

بزرگترها به احیای واسطه‌گری در ازدواج اهتمام ورزند و جوانان بپذیرند که از گذشته تاکنون با واسطه‌گری و معرفی، ازدواج‌های موفق بسیاری انجام شده است و بی‌جهت در مقابل آن جبهه نگیرند.

دختر و پسر باید بدانند که ازدواج درست و در وقت خود، موجب آرامش، نظم و پیشرفت در زندگی می‌شود و در مقابل، معاشرت‌های بی‌حدوحصر و روابط آزاد قبل از ازدواج، تنها آنها را از ازدواج به‌موقع و فواید آن محروم می‌کند.

آنها باید در انتخاب همسر واقع‌بین باشند، معیارهای عجیب را حذف کرده و خواسته‌ها و توقعات خود را تعدیل کنند.

> دختر و پسر باید بدانند که ازدواج در وقت خود، موجب آرامش و پیشرفت در زندگی می‌شود و در مقابل، معاشرت‌های بی‌حدوحصر، آنها را از فواید ازدواج به‌موقع محروم می‌کند. آنها باید در انتخاب همسر واقع‌بین باشند، معیارهای عجیب را حذف و خواسته‌ها و توقعات خود را تعدیل کنند

تجرد جوانان در ایران؛ مسأله‌ای فرهنگی یا اقتصادی؟

دکتر فهیمه نظری، مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسائل اجتماعی با اشاره به اینکه موضوعات و مسائل اجتماعی مربوط به جامعه انسانی به بررسی‌های چندگانه نیاز دارند و نمی‌توان در مواجهه با آنها پاسخی واحد، کوتاه و کلی ارائه داد، به «ایران» می‌گوید: واکاوی و کنکاش هر مسأله یا معضل اجتماعی می‌تواند خوشایند یا ناخوشایند باشد. خوشایند از این حیث که آن مسأله یا رخداد اجتماعی مورد توجه مردم و مسئولین واقع شده است و تمایل به رفع آن وجود دارد. ناخوشایند از آن نظر که در برخی از موارد مردم و مسئولین می‌دانند از راه‌حل آن زمان زیادی گذشته و تقریباً توان حل شدن مسأله وجود ندارد. هرچند تجرد جوانان، مسأله‌ای جهانی و جدید است و همه کشورها با آن مواجه هستند. در ایران هم به عنوان مسأله‌ای است که می‌تواند در آینده به بحران تبدیل شود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در برخورد با یک مسأله اجتماعی نیاز است علل و عوامل گوناگون را شناخت. تجرد جوانان را می‌توان در چند سنخ صورت‌بندی کرد: علل فردی، عوامل معرفتی، علل اجتماعی و فرهنگی و در آخر عوامل جهانی و روح زمانه.

او می‌افزاید: به طور حتم شرح هر یک از عوامل فوق به توضیحات جداگانه و شرح مبسوط نیاز دارد که در این نوشتار ممکن نیست. از این نظر به طور گذرا به هر یک از آنها اشاره خواهیم داشت. بر اساس بررسی‌های مرکز آمار ایران، هم‌اینک تعداد ۱۱ تا ۱۳ میلیون مجرد در آستانه ازدواج هستند یا سن مناسب ازدواج را سپری کرده‌اند و یا در حال سپری کردن این سن هستند.

از این تعداد، بیش از ۵ میلیون نفر دختران مجردی هستند که شرایط آنها در مقایسه با پسران مجرد نامطلوب‌تر است. درخصوص تعداد مجردان قطعی نیز عددهای متفاوتی از ۴۰۰هزار نفر تا یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر ذکر شده است (گزارش اداره آمار، ۱۴۰۱.) منظور از تجرد قطعی، سن بالای ۵۰ سال برای آقا و سن بالای ۴۵ سال برای خانم است که امکان و احتمال ازدواج او تقریباً به صفر نزدیک می‌شود، البته امکان ازدواج هم تا حدودی وجود دارد. تجرد در میان مردان امری اختیاری و انتخابی اما در زنان اغلب تحمیلی است و آثار مخرب فردی و اجتماعی فراوانی دارد. به عبارت دیگر امکان ازدواج برای مردان مجرد قطعی در نسبت با زنان مجرد قطعی بیشتر فراهم است. تجرد قطعی نوعی حرکت بر خلاف طبیعت فرد است. جهت واکاوی مسأله تجرد به سراغ هر یک از عوامل فوق می‌رویم.

دکتر نظری در ادامه، نخست به علل فردی اشاره کرده و توضیح می‌دهد: سن، جنس و شخصیت اجتماعی و روانی با مجرد ماندن جوانان ارتباط دارد. توجه به رشد و توسعه فردی، تمایل به آزادی و ارتباطات شخصی، سست شدن باورها و اعتقادات دینی، تغییرات فرهنگی، مصرف‌گرایی، مدگرایی، خصوصی شدن، تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، ادامه تحصیل، تجربه رابطه با دیگری، واکاوی شکست دیگران در زندگی، بی‌اعتمادی و ناامنی، ترس از زندگی مشترک، آزادی‌های بی‌حد و حصر در فضای مجازی و... از مهم‌ترین علل فردی هستند که جوانان را به مجرد ماندن تشویق می‌کنند. از دیگر دلایل، عوامل معرفتی است؛ ناهم‌افقی دنیای جوانان و برخی سازمان‌های ذیربط زمینه ایجاد فاصله این دو گروه را فراهم می‌کند و موجب می‌شود هم جوانان و هم این سازمان‌ها به سبک و سیاق خویش به سمت و سوی پرسش‌ها و راه‌حل‌های خود بروند.

به گفته این جامعه‌شناس، از جمله دلایل دیگر تجرد، علل اجتماعی-فرهنگی است. اینکه جوان از دو گزینه تأهل یا تجرد، مورد دوم را انتخاب می‌کند به علل اجتماعی و فرهنگی نیز مرتبط است و نباید از بسترهای فرهنگی جامعه مغفول ماند.

یکی از علل فرهنگی، مرتبط با تربیت و آموزش افراد است. کودک ایرانی به سرعت به نوجوانی و جوانی می‌رسد؛ مسیری تک‌خطی که غالباً این مسیر به صورت اجبار از مدرسه به دانشگاه و سپس کار و شغل می‌گذرد، بدون آنکه «مهارت‌های زندگی» به شکل عملی آموخته شود. در حالی که به جوان برای مواجهه با تردیدها، ترس‌ها، برنامه ریزی ها، تصمیم گیری ها، انتخاب‌ها و... آموزش داده نشده اما او را مجبور و تشویق به ازدواج می‌کنند. غالب برنامه‌های آموزشی مدرسه و دانشگاه با واقعیت زندگی مغایرت دارد و همراستا نیستند، به همین دلیل جوان ایرانی در انتخاب مهم‌ترین مرحله زندگی خود یعنی ازدواج به استیصال می‌رسد.

تجرد جوانان، پدیده‌ای نو و رایج در نقاط مختلف دنیا

او ادامه می‌دهد: یکی دیگر از علل فرهنگی که بر تجرد جوانان اثرگذار بوده، بهره بردن از رویکردهای روانشناسان است. سیطره و گسترش برنامه‌ها و آموزش‌ها با محتوای روانشناسی در دو، سه دهه اخیر در دنیا بیشتر از سایر علوم بوده است. آموزه‌های روانشناسان از تریبون‌های مختلف به منظور رشد و توسعه فردی بسیار ارائه شده است (هدف از علم روانشناسی کمک به فرد در جامعه است.) نتیجه نگاه یک‌سویه به فرد بدون در نظر گرفتن دیگر ابعاد زندگی او، آثار سویی به همراه داشته و در حال حاضر با جامعه‌ای مواجهیم که افراد به طور ناخواسته در ارتباطات با یکدیگر ضعیف عمل می‌کنند، نسبت به یکدیگر بی‌اعتماد و بدبین هستند و این امر به جوانان سرایت کرده و ترجیح او بر مجرد ماندن بیشتر شده است؛ ترجیحی از جنس خودخواهی به معنای خود را بر دیگری ترجیح دادن تا جنس فردیت‌گرایی و برابری تک‌تک افراد.

نظری می‌گوید: چهارمین دلیل، علل جهانی و روح زمانه است. تجرد جوانان را می‌توان پدیده‌ای نو و رایج در نقاط مختلف دنیا دانست که با سرعت در حال شیوع است. «امتناع از ازدواج»، «تأخیر در ازدواج» و «انتخاب زندگی مجردی» در دنیای امروز به فرمی از زیست اجتماعی از نوع جهانی شکل گرفته است. مهم‌ترین علل جهانی را می‌توان به شرایط پست‌مدرن از طریق رسانه‌های مدرن مربوط دانست؛ دنیایی که توسط رسانه معنا شده و جوانان را به تسخیر خود درآورده است. امروزه فضای رسانه به آسانی تمام، ناگفته‌ها و رازهای جنس مخالف را که در گذشته دور از دسترس مجردان بود، هویدا کرده است. محتواهای غیراخلاقی، دیگر در بسیاری از کشورها برای جوانان تابو نیست و به همین دلیل جوان، دنیای مجردی را بر دنیای تأهل همراه با تعهد و مسئولیت ترجیح می‌دهد.

افزایش آمار تجرد میان دختران روستایی

علاوه بر تجرد دختران در شهر باید به افزایش دختران مجرد روستایی هم توجه داشت.

نظری این را می‌گوید و می‌افزاید: مسأله تجرد دختران روستایی در گذشته مطرح نبود. دلایلی چون نبود کار و شغل در روستا، عدم استقبال برخی از پسران از کار کشاورزی پدر و نبود شرایط ادامه تحصیل پسران در روستا زمینه مهاجرت آنان را به شهرها فراهم ساخته و این امر به طور ناخواسته، تجرد اجباری و تحمیلی برای بخشی از دختران روستا را به وجود آورده لذا این ادعا درست است که تجرد دختران و پسران در ایران، هم دلایل اقتصادی و هم دلایل فرهنگی دارد، از این‌رو تغییر نگرش جوانان به کمیت و کیفیت زندگی، پذیرش سبک و سیاق خاص در زندگی، توجه به خود و آزادی‌های فردی را می‌توان از جنس فرهنگی دانست.

این جامعه‌شناس برای کاهش این معضل توصیه می‌کند: مسئولان و نهادهای رسانه‌ای در ایران به عنوان برنامه‌ریزان، سیاستگذاران و تصمیم‌گیران باید اقدامات جدی‌تری داشته باشند. بنا بر باور دینی و اخلاقی ما، ازدواج جوانان دارای اهمیت است، چون به بازتولید نهاد خانواده برمی‌گردد. با وجود این و به رغم تلاش دولت، در میدان عمل با عملکرد و اجرای کافی درخصوص برنامه‌ها و قوانین حمایتی در زمینه اشتغال، ازدواج و مسکن مواجه نیستیم.

برنامه‌ریزان دولتی می‌دانند که بخشی از علل تجرد قطعی در ایران، به افراد بازنمی‌گردد بلکه شرایط اجتماعی و محدودیت‌های اقتصادی است که جوانان را از ازدواج دور کرده است. لذا ایجاد شرایط مناسب برای تسهیل در امر ازدواج برای گروهی که به مرز تجرد قطعی نزدیکند باید در اولویت کاری همه دستگاه‌ها قرار گیرد. انسداد در قوانین و برنامه‌های حمایتی به راحتی زمینه‌ساز بروز انواع آسیب‌های روحی در جوانان می‌شود و باز ماندن جوانان از ازدواج در دهه‌های بعد، دولت را با سیلی از جمعیت سالمندان و امور مربوط به آنان مواجه خواهد کرد. توجه به نمودهای فرهنگی از طریق رسانه می‌تواند به اصلاح نگرش‌ها برای رویارویی معقول و موجه با پدیده تجرد صورت پذیرد.

وی خاطرنشان می‌کند: مشکلات جدی جوانان را باید از دریچه نگاه آنان دید. این مسائل و مشکلات باید توسط برنامه‌ریزان و سیاستگذاران جوان تدارک دیده شود که با مسائل روز جامعه روبه‌رو هستند.